

صاحب امتیاز
و مدیر مسئول
دکتر اسمعیل
اردلان.

کوشمان

نامتفصیلی

بهیچ حزب -
دسته یا جمعیتی
بستگی ندارد

سال اول - شماره ۴

شنبه ۱۰ دی ۱۳۲۴

تک شماره ۴ ریال

باز هم انتظار؟!؟

ایجادیک شرکت کشاورزی

در کردستان ضروریست

کردستان با وجود اینکه ناحیه ایست کشاورزی و قسمت عمده سکنه آن از شهر نشین و ده نشین از راه کشاورزی امرار معاش مینمایند، و حقا باید توجه خاصی بمران و آبادی و استفاده از آب وزمینش داشته باشند، آبادی است. دعوات اغلب ویران و رعایا بریشان و مالکین استفاده شایانی از آب و خاک نمینمایند. کردستان با زمینهای مرغوب و حاصلخیز خود استعداد شایان توجهی دارد و اگر روزی مقدور شود که از اینهمه خاک بایر استفاده شود مردمان آن یکی از ثروتمندترین مردمان این کشور خواهند شد.

دایر کردن زمینها، احفر قنوات، بکار بردن ماشینهای فلاحتی در سعادت و نیک یعنی رابرویی کردستانیان خواهد گشود. مران و آبادی کردستان منوط به تشریک مساعی مردم و علاقه و رغبت آنان باینکار است و این تشریک مساعی فقط در سایه ایجاد شرکت های فلاحتی انجام پذیر است. نام شرکت شاید در کردستان خاطرات خوشی را بیاد بیاورد و مثلا وضع شرکت برق شهر سنندج را مجسم کند و با نهایت بی میلی و شاید نفرت تلقی شود. ولی این خاطرات ناخوشایند از این نیستند که ما پیشنهاد خود را برای اظهار نظر خوانندگان طرح نموده و از کسانی که علاقمند بناسیس چنین شرکتی هستند تقاضا نمائیم نظریات خود را برای ما بنویسند و آنهایی هم که بزمین شرکت را زایدی استفاده و بی اثر میدهند نظریات خود را اعلام فرمایند.

وزارت کشاورزی اصلاح شد!

بطوری که از وزارت کشاورزی اطلاع رسیده یک نفر کارمند پایه ۲ دبیری را از وزارت فرهنگ به وزارت کشاورزی منتقل و بست بازرسی ویژه منصوب نموده اند و این عمل برای این بوده که در پی اداری شخصی نامبرده معرّف شود حال از وزارت کشاورزی سؤال میکنیم با داشتن این همه مهندس کشاورزی بیکار که هر روز در دالانهای آن وزارتخانه سرگردانند چه چیز ایجاد نموده که یک نفر دبیر را به وزارت کشاورزی منتقل کنند آن هم برای اینکه یک بازرسی بر تعداد صدها بازرسی اضافه شود؟! آیا اصلاح وزارت کشاورزی این است؟

از آقای عدل وزیر کشاورزی پیش از این انتظار میرفت
با انتظار پیخ وزارت کشاورزی.

و بدخواهان ملت و مملکت حسی دیسپر نخواهد بود.
تا آتش انقلاب در سر تاسر کشور زبانه نکشیده، تا کشت و کشتار در نگرته زمامداران مملکت باید این روزهای حساس را تلف نکرده اقدام اساسی بشنایند زیرا وقت خواهد گذشت
نیدانم باز هم باید در انتظار بود!

کنفرانس مسکو در حالیه کما
میر ایرانیان داشت لبریز میشد، پایان یافت
ولی موضوع ایران همچنان در اسهام
ماند.
آرامشی، که با امید تعیین سر نوشت
کشور ما از طرف انجمن مسکو، در مردم،
موقتا ایجاد شده بود، جای خود را نگرانی
و باس داده و وعده هایی که عده ای بخود
میدادند نقش بر آب شد.
در طی این مدت ما همچنان با انتظار
نشسته بودیم.

وزیران امور خارجه سه دولت بزرگ
متفق بازمه تایید نمودند که قسطنطنیه
خارجی ایران را ترک خواهند نمود و در
سوم مارس آینده ایران از قوای متفقین
خالی خواهد شد و نیز اضافه شده که موضوع
ایران باید از راه دیپلماسی حل شود.
باز هم مادر انتظار نشسته ایم.
فقر و بدبختی مردم را از یاد آورده،
فساد طبقه حاکمه دیگر روزنه امیدی برای
مردم ببنا نگذاشته، نا امیدها و عدم
رضایت هادر دل مردم بجوش آمده، اقدامات
دست جمعی شروع شده، آتش انقلاب
زبانه کشیده.

ما همچنان انتظار میکشیم.
زارهای کثیف اجناس ما همچنان
خون مردم را میکشند، ملت فرسوده دیگر
زمنی ندارد، دستهای خارجی برای تلاشی
کردن این بیکر ناتوان شده در کار است
و هر روز از گوشه ای تنه ای بلند
میشود.

ما همچنان انتظار داریم.
آذربایجان دولت خود مختار اعلام
داشته، مشغول رفتن و رفتن امور است رابطه
مرکز با این ناحیه حساس قطع شده، تلوز
دولتی در آنجا نیست

ما همچنان در انتظار نشسته ایم
فریاد مردم بلند است، از ظلم و جور
مامورین نالانند، از طبقه حاکمه شکایتند
از مجلس مایوسند، اصلاح قوری اوضاع را
میشوایند.

و ما همچنان در انتظاریم.
من نیدانم این همه انتظار برای
بیست، کی ما از این انتظارات نتیجه خواهیم

این سروصورت ظاهری هم از میان
خواهد رفت و انقلاب عظیمی که باسانی
هم نمیتوان رهبری نمود دو خواهد گرفت
که شول آن جز طبقه حاکمه، جز منفرین

اخبار کشور

سقوط پادگان رضاییه

اطلاعات درستی راجع جنگونگی سقوط پادگان رضاییه در دست نیست ولی بقرار اطلاعات حاصله آقای سرهنگ زنگنه فرمانده تیپ آنجا در تبریز در توفیق دمکراتها میباشد.

نمایندگان ایران در انجمن ملل نمایندگان ایران در اجلاس ملل که در تاریخ دهم ژانویه در لندن تشکیل میشود بقرار ذیل میباشد:

آقای تهرانی زاده سفیر کبیر ایران در لندن - رئیس هیئت ارامی آقایان انتظام کاظمی - عدل احشاء اصلی هیئت نمایندگان آقای دکتر عبده نماینده مجلس عضو آقای فضل الله نبیل و آقای ابوالحسن حکیمی احشاء علی لبدل آقای سرهنگ بابندر زنده علی لبدل و مشاور منی هیئت اعزامی.

انصابت وزارت دارائی آقای عبدالعزیز بهیبا بست مدیر کل.

آقای احمد فرامرزی بست مدیر کل.

آقای موسی شیبانی بست مدیر کل.

آقای نصراله صبا بریاست دیوان محاسبات.

آقای محسن قریب بریاست اداره کل بازرسی.

آقای میراحمد حکیمی مدیر کل اداره نظارت صنعتی.

آقای مهر زاده بریاست اداره بازرشنگی.

آقای محمود شکوه بریاست اداره کارگری.

آقای عباسعلی خرابی بریاست کل کارپردازی.

آقای هدایت الله معدنی بریاست اداره کل مراسلات و بانگانی.

آقای جواد آذری پیشکار و مامور ذیصاحب دارائی گیلان.

آقای هادی فرام بریاست اداره مالیات غیر مستقیم.

آقای علی اکبر امیر وفائی پیشکار و مامور ذیصاحب دارائی اصفهان.

معاون وزارت بهداری آقای دکتر اعتماد از طرف وزارت بهداری به معاونت آن وزارت خانه منصوب شد.

فرمان تأسیس دولشگر اعلیحضرت همايونی فرمان تأسیس دولشکرا صادر مودند.

انجمن شرکت برق شرکت برق تهران منحل شد و مجدداً بوسیله اداره برق اداره خواهد گردید.

مدیر کل بانک ملی آقای ابوالحسن اشتهاب مجدداً به سمت مدیر کل بانک ملی انتخاب شدند.

اخبار صدریج صالح نام پسر قریح قله در اتر اهتام دزدی خود کشی کرده.

مجاهدی افسر مالی لشکر در نتیجه کثرت استعمال لکل فوت نموده یکی از مصلوبین مدارس مستنج بسری را بنام ظهیر اعظمی مضروب و طفل در نتیجه فوت کرده است.

اخبار ستنز آقای سرکرد فریار بفرماندهی

پادگان سقر منصوب شده اند ۲- تا این تاریخ سهمیه عقب افتاده جای و لشکر اهالی را نداده اند.

دغانیات سقر پول ندارد که به فروشندگان بدهد مالکین وزارت عین سخت در مضیقه هستند آقای مهندس نیکروی رئیس جمع آوری توتون سقر و بانه و سر دشت در جمع آوری معسول جدید شایانی بهرج داده ولی افسوس بی بولی دغانیات مردم را دل سرد و لگران ساخته است

۴- اداره غله هم وجه ندارد که به تحویل دهندگان غله بدهد. اگر وجهی هم برسد مادامی وجه بتحویل دهندگان میدهند که جزیان خود را علی کند (۱)

کوهستان - آقای رئیس غله سقر باید متوجه جریان صندوق باشند بدیهی است اگر جریان ۱۱ صندوق ادامه داشته باشد مقصود را روزگار خواهیم نوشت

گیلان غرب آقای ستوان یکم امیر فتحی امیر هنگ ژاندارمری کرمانشاه بریاست دسته ژاندارمری گیلان غرب بجای آقای ستوان یکم معینی منصوب و در تاریخ ۲۴/۹/۱۳۰۴ بحال وارد و مشغول کار شده اند

آقای علی صدارت که از نشانیات باک دامن و صحیح العمل وزارت دادگستری میباشد بست ریاست دادگستری استان پنجم منصوب شدند. بنسبت این انتصاب جدید لازم است خاطر نشان کنیم که اهالی منطقه غرب عموماً اشخاص حق شناس بوده و امیدواریم آقای صدارت همانطور که در مدارس شهرت بسزایی کسب نموده بودند در منطقه غرب هم معروفیت کاملی بدست آورند.

آقای دکتر هوشنگ ظلی بمعامت اداره کل بهداری شهرداری منصوب شده اند

انتصاب

همکار مجتهد آقای احمد فرامرزی هته گذشته از طرف وزارت دارائی بست مدیر کل آن وزارت خانه منصوب و ادارات املاک و گذاری و خالصجات و اداره امور شرکت ها و بانکها را زیر نظر خواهند داشت.

علاوه بر درجه فضل و کمال و دانش آقای - فرامرزی یکی از اشخاص وطن پرست و در - ستکاری - باشند و این انتخاب وزارت دارائی و استفاده از وجود چنین شخصیت هائی واجب امیدواری عموم میگردد ما نیز بنوع خود علاوه بر تبریک موفقیت ایشان را در خدمت بکشور از خداوند مسئلت مینماییم

انتخاب آقای دکتر

ظلی که از جوانان بسیار شایسته و لایق و درستکار هستند انتخاب بسیار پسندیده است که از طرف آقای شهردار تهران بعمل آمده است امیدواریم که در این بست به بهداری شهرداری بتواند بنحو شایسته ای از وجود ایشان استفاده نماید

جنگهای اورامان چگونه پایان یافت؟

اوضاع رو به وخامت گذاشته بود. نیروی دولتی دیگر پیشرفتی نمی نمود. فشار حکومت نظامی و تهدیدهای برجا سلب آسایش از مردم منتهج کرده روحیه ساکنین شهر بسیار خراب بود حتی عدای هم شهر منتهج را از بیم اینکه مبادا پاپوشی برایشان بسازند و یا توهین هائی بآنها وارد آورند ترک کرده بودند.

دولت که تا آن هنگام توقف سرتیب هوشمند افشار فرمانده لشکر را در کردستان، برای ادامه عملیات جنگی ضروری میدانست تغییر عقیده داد. هوشمند افشار تغییر یافت و بجایش سرتیب همايونی منصوب شد. این تغییر نشان میداد که دولت منتهج شده است که باید تغییر رویه دهد زیرا مسافرت قبلی سرلشکر جهانیانی هم شاید حقایقی را که تا آن موقع دولت باور نداشت روشن کرده بود.

سرتیب همايونی در میان استقبال کنندگان زیادی که از طبقات مختلف بودند با عزت و احترام بشهر وارد شد سرکشی های او به قسمت های مختلف نیروهای اعزامی موجب شد که تقاضا نماید تحویل و تحول در حضور سرلشکر جهانیانی بعمل آید.

نیرو و ضمیمت رضایت بخشی نداشت زیرا دوشیخون یکی در مروان و دیگری در قزاقان که دومی بر اثر قفلت و بی ترتیبی اردو از طرف مشایر وارد آمده بود روحیه نظامیان را متزلزل ساخته علاوه بر تلفات مقداری اسلحه و مهمات هم از دست رفته بود.

سرلشکر جهانیانی مجدداً به کردستان آمد. در این مرقع اردو از دره رزاب تجاوز نکرده بود تمام دربندهای سخت در دست مشایر و اردو از لحاظ آذوقه در تنگنا بود چند روز اول وقت سرلشکر جهانیانی و سرتیب همايونی صرف تهیه آذوقه برای واحدهای مختلفه شد.

اطلاعات مشتمل بر این بود که عشایر خانوادهای خود را بجاک عراق فرستاده فقط سوار و بیابانهای مصلح در نقاط مهم سوئد العیشی آمده دفاع سخت میباشد هوا سرد شده بود و زمستان نزدیک بود توقف قوای دولتی در نقاط مرتفع و کوهستانی و در معرض سرما ادامه پذیر بود و پیشرفت هم از طریق حمله ب نتیجه قطعی نی رسید.

صلاح در این بود که از طریق نجیب و رسیدگی بتقاضای قبلی عشایر را برارم دولت امیدوار نمود برای اینکار کمیسیون از معتمدین محلی مامور مذاکره با عشایر و اصلاح نظریات دولت شد. این کمیسیون تحت سرپرستی پاسپار آصف وزیر و پشویت و کیل السلطان - جد اهالی ستنجی - حاج امیر اردلان و علی اشرف وزیر و سرهنگ پیشنهاد فرمانده هنگ سوار پهلوی معین و در معیت سر لشکر جهانیانی به رزاب حرکت کرد

اندام اول کمیسیون از راه ط تاکتیک نظامی خارج نمودن اردو از دره ها و بدست آوردن ارتفاعات سرو آباد و دورو بود بدین ترتیب ارتفاعاتی در مقابل ارتفاعات دیگر که در دست عشایر بود بدست قوای دولتی درآمد سپس کمیسیون بهرام آباد که در جلو در بند دزلی واقع است رفته از آنجا پاسپار آصف وزیر و روسای عشایر بپغام داد که برای بیان مطالب خود حاضر شوند حاکمیه خوانین و بیگ زادگان: محمود خان دزلی - محمودخان کانی سانانی - محمد کانی سامانی - حسن بیگ زرابی - مظفر زرابی - محمد شریف آلمانه - عبدالله قلمه جی - محمد علی قفلی - محمد رضا بیگ دموی - محمود کر آبادی و سایر خوانین و بیگ زادگان شهر اورامان و اورامان تحت در بهرام آباد حاضر شدند.

هنگامیکه کمیسیون به بهرام آباد میرفت خوانین و بیگ زادگان تاپک فرسخی به استقبال آمده شب را کمیسیون در بهرام آباد متوقف و مذاکرات آغاز شد.

پنجم آقای مهندس گوردزی

دنيا در هفته پيش

مهمترين مسئله که از ۱۹۳۸ تا ۱۹۴۶ متفقين در پيش داشته موضوع وحدت فرماندهي، اشتراك در پروژه برده ناکتیک واحد رژیم بود و دیدیم که تا حبه دوم ایجاد نکردند و چکه اینالیو دوژیکف برده با نیروی مشترک شکافته نشد برتری بر نیروی عظیم نازی میسر نگردیده. توجه به این نکته که در جنگ موثر بود بلکه غطشی مهم ارکان سیاست پس از جنگ را نیز تعیین میکند. این تذکر برای اینست که همه بدانند در جهان نو با ریسمان های پوسیده جهان و سوء تقاضا، استحصالی و استعمار نمیتوان دست و پای ملل ضعیف را با بسته های بیشمار بست و زنجیر نمود این گفته برای اینست که رنگ زدن نشانه سیاسی، جهان به میل چند نفرو امیاه سازمانهای ایده آلی و بوج نظیر جامعه ژنو، در دیای نو از هر نظر که فرض شود نمیتوان ممکن است نمودند.

مهمترین مسئله که از ۱۹۳۸ تا ۱۹۴۶ متفقین در پیش داشته موضوع وحدت فرماندهی، اشتراك در پروژه برده ناکتیک واحد رژیم بود و دیدیم که تا حبه دوم ایجاد نکردند و چکه اینالیو دوژیکف برده با نیروی مشترک شکافته نشد برتری بر نیروی عظیم نازی میسر نگردیده. توجه به این نکته که در جنگ موثر بود بلکه غطشی مهم ارکان سیاست پس از جنگ را نیز تعیین میکند. این تذکر برای اینست که همه بدانند در جهان نو با ریسمان های پوسیده جهان و سوء تقاضا، استحصالی و استعمار نمیتوان دست و پای ملل ضعیف را با بسته های بیشمار بست و زنجیر نمود این گفته برای اینست که رنگ زدن نشانه سیاسی، جهان به میل چند نفرو امیاه سازمانهای ایده آلی و بوج نظیر جامعه ژنو، در دیای نو از هر نظر که فرض شود نمیتوان ممکن است نمودند.

کفرانس ده روزه سه وزیر امور خارجه، ارلست بوین، جسی برازیلیانچ و لادیسلاو مولهوف، که از ۱۵ تا ۲۵ دسامبر در مسکو بر اصل قدیمی « پالکا » بنیان شده بود و با قیافه مرموز و دلچسپی در میان ابر های تیره و مبهم با بان بان و از دو اعلامیه که با فاصله چند روز منتشر شد کم و بیش دیده میشود که درباره یک رشته مسائل بسیار مهم چه در باره اروپا چه در باره خاور دور توافق ظرفهائی حاصل شده است.

موضوع کنار آمدن با همکاران صیبری و قدیمی معور و تشکیل شورا مخصوص برای کنترل ژاپن و ایجاد یک دولت مستقل و آزاد بخواه در کره و چین و حل مسئله انرژی اتمیک و جلوگیری از تسلیحات ملی بوسیله نیروی اتم قدرتی بزرگ در راه استقرار صلح پایدار و بنیان جهان آباد و آزاد میبود. با اینالیو، مجارستان، فنلاند، رومانی، طبق تصمیمات انجمن برلین رفتار و قرارداد صلح فقط با نظر کشورهاییکه مستقیماً با این دول در جنگ بوده اند تهیه و تنظیم خواهد گردید و برای تأمین این منظور شرایط قرارداد صلح با

ایتالیا تحت نظر وزراء خارجه، چین، فرانسه، آمریکا، انگلیس و قراردادهای صلح با رومانی و بلغارستان و مجارستان از طرف انگلیس، آمریکا، شوروی و شرایط صلح با فنلاند منحصر با نظر بریتانیا و شوروی تنظیم خواهد شد و پس از تهیه قرارداد های مخصوص، کنفرانس در لندن با حضور نمایان وزراء خارجه ۲۱ کشور که در جنگ بر علیه معور با نیروی قابل اهمیت خود شرکت نموده اند قیل از اول ۱۹۴۶ منعقد و قرارداد های قطعی صلح تنظیم و برای تصویب بدول متفق که شرایط مشارکت را امضاء کرده اند و فرانسه که

توجه فرماندهی معترم لشکر کردستان را به زندان عشایری لشکر جلب نموده انتظار داریم در استخلاص بیگانهان و تعیین وضعیت آنان اقدام فوری نمایند.

کم و بیش با هم اتفاق نظر داشته و اختلافی با هم نداشته. ولی شروع جنگ اخیر و موقعیت خاص ترکیه آتش غلغ و کدرت قدیم را مجدداً دامن زد و روز بروز روابط این دو کشور را تیره تر نمود تا امروز که روسیه دعای ارضی جدید تسلیم ترکیه کرده و ترکیه به پشت گرمی پیمان (اتحادتدافنی با انگلستان) و آرتش جنگ نکرده و چند غیوبی خود دم از جنگ میزند.

مشاهه اسپانیا و حکومت فالانژ فرانکو هم جزو قضایای حل نشده باید محسوب گردد. امروزها موضوع آوردن مجدد (دون ژوان) پسر آلوفوس سیزدهم در اسپانیا هیاهوی عجیبی در اغلب محافل سیاسی راه انداخته و هیچ امید نیست پس از تسلیم یادداشت اخیر فرانسه به بین نزدیکي حوادث جسی در این نقطه دور افتاده روی دهد.

در تمام مدت جنگ و قبل از جنگ آلمانها و صنایع آلمان از یک صنایع اسپانیا را تشکیل میداد و پیش از جنگ از ۴۸۰۰ شرکت اسپانیالی بجز از آنها که عاملین مهم آن آلمانی بودند ۹۰۰ شرکت آلمانی در اسپانیا موجود بود.

(۸۵۰۰ نفر آلمانی در تمام مدت جنگ در اسپانیا زندگی میکردند و تمام استحصکات نظامی و جاده های اسپانیا بدست آلمان ساخته شده بود و آلمانها در عوض اینبه کمک و مساعدت فقط مطالب همکاری سیاسی و مساعدت های مخصوص اسپانیا بودند و ذره پول و مرکبات نمیتوانستند و اگر گاه گاه نفت و جیوه و قلع اسپانیا با آلمان می رسید یا لشکر آبی بروسیه کسبل میگردد بییل خود فرانکو بود نه دستور هیتلر و دیگران.

امروز فرانسه و روسیه با حکومت فالانژی اسپانیا جدا معالوم و آمریکا چون سرمایه بسیار زیادی در کپانی بین المللی الکتریسته اسپانیا و صنایع موتور و آن جادارد و بریتانیا از نظر موقعیت اشتراکات و یک جیلطاری صنایع مخصوص در این نقطه بخصوص داشته سیاست روموزی در اسپانیا و بریتانیا در اینترورها بازی میشود و امروز تمام دنیا چشم فراداشته و منتظر نتیجه اقدامات چهار دولت متفق در اسپانیا میباشد.

و در خصوص وقایع اخیر شمال و آذربایجان و حلاجی این قضیه چون از بحث سیاسی ما خارج و بیشتر مربوط بجزئیات داخلی کشور است.

سایر نویسندگان روزنامه ها این قضیه را برای خوانندگان روشن خواهند کرد و در خصوص مسئله یونان تا انتخابات پارلمانی این کشور که فرا است با حضور نمایندگان بریتانیا و آمریکا و سایر دول متفق انجام گیرد خاتمه نیابد صحبتی نخواهیم کرد.

دوباره مسائل مبهم و تاریک مانند مشه یهود و اعراب و قضایای تیره مصر، باید منتظر کسبون سازمان ملل متفق که در ده ژانویه در لندن تشکیل میشود بود.

بهر صورت امروز از انحطاط سیاسی مسئله مهمتر از مسئله مناسبات شوروی و انگلیس وجود ندارد و تاثیر این مناسبات در سرنوشت آینده جهان باندازه موثر است که اگر کسی اختلاف دو آن دو دهد پیش نظم کبیتر را بر هم میزند و در این میانه نش مؤثر آمریکا را در اوضاع جهان تعدیل موقعیت جانسوز فضای نشود فراموش کرد و البته باید بنظر احترام و تعظیم نگاه کرد و ضنا جویا شد و فیهید پس از شکستن سد معوشه و

آیا هنوز بر جیم پرستاره آزادی بر فراز سر زمین آزاد و آشیانه مردان آزاد آمریکائی در اهتزاز است؟

اداره: خیابان پهلوی روبروی کوچه مریضخانه وزیری

جزو این دول شناخته شده و همچنین دول جنگجویا معاصم سپرده میشود. کنترل ژاپن بوسیله کمیسیون نظارت و شورا مخصوصی که از چین، آمریکا، شوروی با بریتانیا تشکیل خواهد شد و ریاست دائمی آن با فرمانده صلح قوای آمریکا که در ضمن عضو شورا نیز خواهد بود انجام میگردد. این کمیسیون میتواند دوباره تغییرات اساسی و اصول حکومت ژاپون و با طرز نظارت و تشکیل دولت جدیدی در ژاپون تصمیم های بگیرد و در خصوص حادثه چین که در حقیقت از سال ۱۹۰۵ یعنی پیش از پایان جنگ ژاپن با روسیه تا امروز ادامه دارد.

با بنظر حق حل و تسویه گردید که باید جنگ داخلی در چین خاتمه پیدا کرد و یک چین متحد و آزاد زیر نظر یک دولت ملی تشکیل شود.

دوباره ایجاد سیاست مشترک نسبت برومانی و بلغارستان و حکومتی که در این دو کشور بدست دیستروف و ماتروسکوو وجود دارد اینطور دو دولت حاصل شد. که برومانی تذکر داده شود که یک نایبند از حزب دهافین و یک نایبند از حزب لیبرال وارد هیئت دولت خود کنند و در باره بلغارستان حکومت جبهه میهنی آن کشور در دست تشکیل است بر حسب شناخته خواهد شد و برای نظارت او در هریمان کلاز کرد و سفیر کبیر آمریکا و بریتانیا به همراه معاون کسیر خارجه شوروی امروز بیخارست حرکت کردند.

ملت بلغار که پس از قیام ۹-پنجمبر ماه تاناناره حاکم بر مفدرات شود شده مصمم است که خاندان سلطنتی گبور که در دینانک و پسرش بوریس سوم که بر تریب حکمرانی بر آن کرده اند ازین ببرد سیاست خارجی خود را از احساسات (شویستی) که تا کتون نسبت بقوه تبه که امروز جزو دولت متحده یوگسلاوی (سربستان، کروآسی، سلولوی، هرزه، گوین، سونه، مکره، مقدونیه) است، امصال میشده دست بردار دوروی بر بنسب های دمکراتیک با همه کشورهای آزاد روابط دوستانه برقرار کند.

مسئله استفاده از نیروی اتم به شورا و امنیت احاله شد و در این کمیسیون که با حضور نماینده کانادا تشکیل خواهد شد بقیه مسائل مبهم و سایر مسائل از راه پلنسی حل خواهد گردید و درباره قضایای اخیر ایران و ترکیه و یونان و اسپانی تصمیم لازم اتخاذ نگردیده است.

ترکیه و شوروی که در مدت ۱۵۰ سال هواره از فکر نابود کردن یکدیگر غافل بودند و در سالهای بین ۱۹۱۵ - ۱۹۱۷ رسماً بر علیه یکدیگر قرارداد عالمی بستند پس از انقلاب اکتبر تا ۱۹۲۹

بمقام آقای م ک

بیدار باشید

انجمن های ایالتی و ولایتی را سرسری تلقی نکنید

هفته قبل با اطلاع خوانندگان رسیده که از طرف نخست وزیر و وزارت کشور دستور اجرای قانون ۲ انجمن های ایالتی و ولایتی به تمام شهرستان ها صادر شد.

از لحاظ تاثیر مهمی که اجرای این قانون در اوضاع عمومی هر ناحیه دارد لازم است امروز قدری در اطراف آن بحث کنیم و خوانندگان را که از جدوتگی آن اطلاع کامل ندارند قدری روشن نسازیم قانون اساسی انجمن های ایالتی و ولایتی را بموجب چهار اصل ذیل پیش بینی نموده است:

۱- اصل نودم - در تمام ممالک محروسه انجمن های ایالتی و ولایتی بموجب نظامنامه مخصوص مرتب میشود و قوانین اساسیه آن انجمن ها از این قرار است.

اصل نود و یکم - اعضای انجمن های ایالتی و ولایتی بلا واسطه از طرف اهالی انتخاب میشوند مطابق نظامنامه انجمنهای ایالتی و ولایتی

اصل نود و دوم - انجمن های ایالتی و ولایتی اختیار نظارت تمامه در اصلاحات و راجعه منافع عامه دارند با رعایت حدود قوانین مقرر.

اصل نود و سوم - صورت خرج و دخل ایالات و ولایات از هر قبیل بتوسط انجمن های ایالتی و ولایتی مطیع و نشر میشود... قانون انجمنهای ایالتی و ولایتی بموجب ربیع الثانی ۱۳۲۵ قمری در چهار فصل طرز تشکیل انجمن ها - طرز انتخاب اعضاء - ترتیب انجمن - وظائف انجمن ها بودجه و محاسبات ایالت و ولایت راجعین ساخته است

ذکر يك يك مواد اینه انسون از لحاظ طولانی بودن آن نقل نموده نیست ولی از لحاظ بی بردن با اهمیت این انجمن ها و ادب چندرادر این جا از نظر خوانندگان بیکدراریم .

در قسمت وظائف انجمن ها ماده ۸۷ بشرح ذیل است :

۸۷ - وظائف انجمن های ایالتی منحصر است بنظارت در اجرای قوانین مقرر و رسیدگی و قرار داد در امور خاصه ایالت در صورتی که ذیل یا اختطار و صلاح اندیشی در صوره امنیت و آبادی ایالت اگر در همین ماده حکم ماده اول وظائف انجمن است وقت کت کنیم

و فقط قسمت اول را مورد توجه قرار دهیم که یکی از وظائف انجمن ۲ نظارت در اجرای قوانین مقرر است خواهیم دید که اگر همین وظیفه را انجمن حقا انجام دهد

بسیاری از حکایت مردم حل میشود این همه فریاد مردم از قانون شکنی از اجحافات بر خلاف قانون از ظلم و تعدی از میان خواهد رفت

انجمن مین وظیفه ۲ نظارت در اجرای قوانین مقرر ۲ از بسیاری از خرابکاری ها و خود مختاری های مامورین خواهد کاست ناله های جان گذار مظلومین دیگر شیده نخواهد شد و این همه باس و ناامیدی و سرگردانی و اینکه مردم نبینند بکجا برای احقاق باید مراجعه کنند حل خواهد شد.

در ماده ۹۱ میگردد انجمن ایالتی حق نظیر در وصول و ابعال مالیات بهره و ان که موافق قانون مقرر شده باشد دارد تصویه و شکایات راجعه بمالیات و همچنین تحقیق در باب امتدعای تعفیفات و تشخیص امر امر آفات بر عهده انجمن هاست

در ماده ۹۲ میگردد ۱- انجمن ایالتی می تواند بتوسط رئیس انجمن ایرادات خود را در اموریکه راجع بمناخ ایالت است و همچنین اعتراضاتیکه در خصوص ترتیب و نحوه اجرای ادارات متعلقه بایالت دارد بوزارت خانه ها اظهار کند.

بدون اینکه وارد بحث در موارد دیگر وظایف انجمن شویم همین چند ماده که در فوق ذکر شد نشان میدهد که اگر عده ای واقعا دلسوز در این انجمن ها انتخاب شوند و اگر بغرضه از برای قانونی قانون انجمن های ایالتی و ولایتی بنفع مردم استفاده نمایند و اگر بی حالی و اهدل را کنار بگذارند میتواند سرو صورت کاملی به ناحیه خود داده از ظلم و جور مامورین کاملا بکاهند.

۲- منتخبین شهر حاکم بشن و ولایت شش نفر و انتخاب هدگان باوکات نیز بان اضافه میگردد ب علاوه قانون این حق را به ایلات هم داده است که بتوانند نمایندگانی در انجمن داشته باشند.

طرز انتخاب در شهرها این است که عده ای مرکب از شش نفر از معارف انتخاب کنندگان در تحت نظارت حاکم باباب الحکومه بنام انجمن نظار تشکیل میگردد این انجمن بکنفر رئیس و یک منشی از میان خود انتخاب می کنند

انجمن نظار فقط مشول امر انتخاب خواهد بود و بیتیوجه داخل در گفتگوی دیگری نخواهد شد

انتخاب کنندگان در شهرها با همتای ایران بوده، لااقل ۲۱ سال داشته و دارای ملک یا خانه بوده و با مالیات مستقیم بپردازد. برای انتخاب شدن علاوه بر شرایط فوق داشتن سواد فارسی کامل و سن لااقل سی سال و داخل بودن در خدمت دولتی هم ضروری است ب علاوه اشخاص که انتخاب

میشوند باید قبل از وقت یا خودشان داوطلب انتخاب شدن باشند یا بشکلیف انتخاب - کنند کن قبول انتخاب شدن را نموده باشند.

هشهریه های عزیز!

شما که سالها گرفتار تعدیات و خودسریهای مامورین طماع و خدا ناشناس بود.

شما که مدت ها دچار مطامع سوء و اغراض لایبکارانه بیکدمه هوسران که بنام مامور دولت بر شما حکومت کرده و آبرو و حیثیت و همه چیز شما دستخوش امبال بیلید آرهای بوده و ناله تان آسمان رسیده است شما که بتصدیق دوست و دشمن خودی و بیگانه همیشه سخت ترین بار حکومت دیکتاتوری را بدوش تحمل نموده و به خاطر ایران عزیز لب فرو بسته اید

شما که از اجحافات مامورین دولت و عدم توجه آنان با اصلاحات هواره دل پراز خون داشته اید.

شما که حکومت بیست ساله دیکتاتور و مامورین بی شعور و طماع او سخت ترین ضربات را بر پیکر فرهنگ و اخلاق تان وارد آورده و حتی مدارس قدیمه را که موسسات فرهنگی مورد علاقه شما بود بستند و آن ها را مورد مسخره قرار دادند.

شما که حتی از اصلاحات ظاهری و پوششانی عصر حلالی هم مستفید نشدید شما ۹ باوجود توده مالیات های سنگین و کمر شکن و تعدیل خسارات هنوز وضعیت خیسان ها و برن شهرتان شکنین و شرم آور است.

و بالاخره شما که بملت عدم وجود مامورین دلسوز و مصلح فاقد کوچکترین وسایل تمدن جدید و هنوز از بدوی ترین وسایل

بهداشتی و فرهنگی محروم هستید اکنون بپوش باشید و بیدار شوید که وقت مرصت راز دست اندرید آری حالا که هیئت معظم دولت تصمیم باجری قانون انجمن های ایالتی و ولایتی گرفته و با اتخاذ این تصمیم دستور عملی نمودن آن قدمی در راه اصلاح کشور برداشته اند مسئولیت بزرگ متوجه فرزند شما است که از این حق خود بخوا اتم و احسن استفاده نماید. حال روشن نکران و اصلاح طلبان واجب و لازم است که در این موقع خلاصه از قانون انجمن های ایالتی و ولایتی و اهمیت آن را باستحضار عده زیادی از هموطنان خود برسانند تا بدینوسیله وظیفه اجتماعی خود را انجام داده و دیکراسی و آزادی را تهنوت و شهر خود را از صورت مزبله کنونی خارج نموده جلو تعدیات گرگهای بصورت میش را بگیرند که بنام مامور دولت سالها شمارا بانواع وسایل و خبل دوشیده اند.

هشهریه های عزیز

با وجود اینکه سخن بدراز کشید ولی چون موضوع بقدری مهم است که هر قدر در اطراف آن نوشته شود هنوز حق مطلب ادا نشده لذا تکراین نکته لازم است متوجه باشید که چه اشخاصی را انتخاب میکنید شما نباید این قسمت را سرسری گرفته و ساده تلقی کنید.

زیرا پس از تشکیل و افتتاح انجمن های ایالتی و ولایتی چنانچه در فوق اشاره شد تنها مرجعی که بتوانند بشکایات شما و مراجع شما رسیدگی کند و بدادتان برسد فقط و فقط همان انجمن ایالتی و ولایتی است.

و در صورتیکه خدای نخواست اعضا آن را افراد صالح و بیفرضی تشکیل ندهد که از هر حیث شایستگی اشغال این مقام را داشته باشند باید گفت که آن وقت اول بیچارگی و بدبختی است چه دیگر مرکز با بودن وجود انجمن ایالتی و ولایتی از رسیدگی بشکایات و مراجعات اشخاص قصور مینماید و از آن طرف نیز که نور امید نیست.

پس سعی کنید که با هر گونه اعمال تقوی و تعبدیاتی که اگر خدای نخواست بشود بنا مقاومت ننایید و حتی بقدر توان اشخاص صالح و بیفرض و پاکدامن و فعال و با شهنی که بتوانند بخواهین از عهد تمام این امر خیر بر آید انتخاب کنید تا حدی وضع شما از حالا بدتر نشود و بشیمان نشوید که پیشانی سودی ندارد و بالاخره بجزم غفلت امروز دچار تاسف و تحسر فردا نشوید بازمه باشا در این باره سخن خواهیم گفت.

با حقیقت و درستکار باشید

بلم آقای آیت الله مراد خردستانی

گرد و گردستان

-۳۹-

(سنه اردلان)

خسروخان پسر احمد خان اردلان که سالها در خدمت محمد حسن خان جابازی و ندا کاری نموده و عمر گرامی خود را سرفرازی در کباب او بصرف رسانیده شرح نا جوان مردی ملیم پاشا را برضی نواب والا میرساند . نواب والا در جواب خسرو خان میگوید : تو مگر تاکنون محمد حسن را نمانده ای چگونه تصور میشود من از خدمات تو چشم پوشم و ولایت تو را بدین تو بفروشم مطمئن باش حکومت گردستان قبالی است که بر بالای تو جوخته شده حاکم گردستان خواهی بود .

پس از چند روز محمد حسن خان سلیم پاشا را از حکومت اردلان منصرف میسازد و غلظت و رقم گردستان را بخسروخان تسلیم مینماید و او را باقتدار کامل مروتی خود و راه میدارد

حکومت خسرو خان اردلان

پس از آنکه خسروخان بزرگ پسر احمدخان مهاجر نوبه پاشا و بریدی خان اردلان رقم و غلظت گردستان را از نواب والا محمد حسن خان قاجار دریافت میدارد در محرم ۱۱۶۸ وارد گردستان میشود میامخان شاهسون هم با دوست سوار از طرف محمد حسن خان برای تقویت او همراه بودند .

خسروخان شخص عاقل مدبری بوده در شجاعت و قوت قلب هم مشهور و معروف بوده است مستوره (ادبیه کرد) در تعریف او گفته است :

چنین خسروی در جهان کس ندید

بدهورانش بامیش و گسک آرمید

بدهورش ز بس تازه شد عقل و داد

کس از داد گسری نشانی نداد

از خان احمد خان دو سرمانه یکی خسرو خان ، دوم رضائلی خان . پس از اینکه خسرو خان بر مستحکمتری استقرار می یابد با حسن تدبیر و نیروی ششیر گردستان را از حال فلاکت و گرداب هلاکت نجات داده عهده امر عالی باستانهای محمد رشید بیک خلف ابراهیم بیک وکیل (که سابق ذکرا گذشت) همه از وضع حکمرانی او متعجب و خوشحال بوده اند و آوازکن در عهد او بیوطن مالوف برگشته و متواریان به ظل مطوفت او مراجعت کرده اند .

چون شهر سنه دژ در نتیجه هرج و مرج و ناخوشی و تاز اجاب خراب و منهدم شده بود ناچار قلمه حسن آباد را مختصر مرمتی نموده مدتی آنجا را موقتاً مرکز ایالت و مقر حکمرانی خود قرار میدهد خسرو بیک و محمد سلطان که با محمد رشید بیک خلف ابراهیم وکیل بنی امیام بوده اند از حکومت خسرو خان خوشنود بوده اند باطناندر پیشرفت کار خسروخان اشکال تراشی میکنند و اهل قصبه حسن آباد را وادار بدهم اطاعت مینمایند و بهر وسیله ای سعی میکنند که نظریات و اوامر خسروخان از هر جهت قلمه ساند بنا بر این خسرو خان امر برگردن هردوم میدهد محمد علی سلطان دستگیر ولی خسرو بیک تسلیم نمیشود و باغچرودنه نفر از مامورین را هم مجروح میسازد بالاخره عده مامورین زیاد شده او را با ششیر سراز تن جدا میکنند و پس از کشته شدن او امر به کشتن محمد علی سلطان صادر میشود و دارائی هردو بصرف خسروخان درمی آید .

پس از این قضیه خسروخان بر اهالی حسن آباد مسلط شده آن هارا به سنه دژ میگردانند و تمیز همارت شهر میردازد در سنه ۱۱۶۸ آزادگان اتنان از بیم کربهان وکیل و تهدیدات محمد حسن خان قاجار امپهان را تخلیه نموده از راه همدان به طرف آذربایجان میراند درین راه باغوا و دسیسه سلیمان پاشای بابان با دو هزار سوار زبده بطرف گردستان و تسخیر سنه دژ عطف عنان مینماید خسروخان بعضی شنیدن فوراً بقلعه حسن آباد برگشته در آن جاحصاری میشود و بکار قلمه داری میردازد و به اطراف و جوانب برای

ای وطن

ای وطن با یز به غیر بیت چونکه او رویا و مه
گرم و سردی نعله سکت عیناً دلی شیوا و مه
بارشت آهی درون و هوری هروک چاومه
لم بسی بارشت اباری وک تسکی زوغاومه

شاخ و داخی تو ، نمونی جرک هل فرچاومه

گیز لوکی سمرلات وک هناسی بر گرین
تم له سر که پشته کات دو کلی قلبی حزین
وشکه پوشی دهه کات بندی جرگی آگرین
سردی اشکو تو مفارت وک درونی بر برین

بر ریزانی درختی عمره کسی فوئاومه

ای وطن تو مملکت بوی کی و هاورانه بوی
کی اسیری ز برچه بو کی دشمن و بیگانه بوی
ینی بینا و وطن هرتا که بوی مردانه بوی
عصری پیشو پشته لانی حکومتی شیرانه بوی

من که ناروم ، جبی عصری اردلانت داومه

ای وطن با بیگوه ملکیت سرگریان و زار
توله داخی هابرین و من له داخی هود و تاز
اشکی غویشین دا بریزن هرو کوهوری بهار
توله بو گنجانی لادی ، من له بولاوانی شار

گر جیام بی خوینی جرگم شربت و شکر اومه

قومی خوم ، یارب تی تم بو هناسی سردتان
بو غم و آهسی درون و بودلسی بر دردندان
بولی و شکویه بارو ، رنگ و روی زردتان
دور له خوی بو شیوه لی مجنون بو شاخ و بردتان

شیوه نم سرشته خزمان ، بو وطن گیشاومه

ای وطن هندی لبی دل توبه جاسوسی نام
ای وطن هندی له داخی توبه بو نه بندی عام
فکری غومت بو بیان کم مختصر آخر کلام
شرطه تاتوبی ، حرام بی زیارت بیت الحرام

جی صقاومرو و طواقم ، دشت و درشتلاومه

این اشعار را آقای محمد پاکزاد از سنه ۱۳۰۸ سال داشته اند
ولی سراینده اشعار معلوم نیست کی بوده .

عرق حدیب و غیرت ایلش حرکت و
جوش در آمده از قلمه بیرون جسته میدان
او می رود و لوله از قلمه گیان بلند میشود
در حال اول سوار افغان را کشته سراو
را از تن جدا کرده خدمت والی می آورد و
بشعب و غلظت میرآخوری منتظر میشود

جمع آوری اردو و خواستن کمک آدم
رواه میسازد
آزادگان با جمعیت خود رسیده قلمه
را معاشره میکنند ، محمد رشید بیک و محمد
صالح بیک هم با انتقام خسرو بیک و محمد
علی سلطان به اردوی آزادگان ملحق می
شوند . مدت دو اوزه روز کار معاشره طول
میکشد و هیچیک از طرفین موفقیت حاصل
نمیکند یکی از سوار های افغان هر روز
پیدان آمده مبارز طلبیده دو سه نفر
بباززه آورده کشته میشوند دیگر احدی
جرات نمیکند پیدان او برود اما او از
دستبردار بوده هر روز پیدان می آید و
بجز خوانی میکند تاروی حاج محمد
آقای جلودار (جد و مسم بیک امیر آخور)

آهلی

برای آگهی های بیکه از شهرستانها
فرستاده میشود اداره روزنامه تخفیف
کلی قابل میشود .
برای هر سطر پنج ریال دریافت
میکردند .

بقلم آقای سلیمان یوسی

کرمانشاه متروک

قصر شیرین

- ۵ -

سر پل ذهاب

سر پل ذهاب یکی از بخشهای قصر شیرین است و از اناطلی است که زودتر از سایر جاها مورد توجه بشر اولیه قرار گرفته است و میتوان ممبر رودخانه حلوان را که از وسط آن میگذرد یکی از قدیم ترین مهد تمدن بشر دانست. حلوان از اقلیم چهارم است که بهت قبادن پرویز ساسانی ساخته شده و جزء مداین سیمه (۱) میباشد بناسبت قاصد باوضع وقت بار غلی و عبرت نسل حاضر جادارد قسمتی اشعار شاعر بزرگ باستانی حکیم خاقانی را که درباره مداین سروده در اینجا نقل کنیم:

هان ای دل عبرت بین از دیده نظر کن هان ایوان مداین را آینه عبرت دان یکره زرم دجله منزل مداین کن وز دیده دوم دجله بر ماک مداین دان دلدانه هر قمری پندی هدت نونو پند سر دلدانه بشو زین دلدان گوید که تو از خاک می آغاک تو نیمه کنون گامی دوسه بر ما نه اشکی دوسه هم چشان از نوحه جغد الحن ما نیم بدر سر از دیده گلابی کن در دسر ما پشان ما بار که دادیم این رفت ستم بر ما بر قصر ستمکاران ناخود دیده رسد غلزلان اینست هان ایوان کز دانش رخ مردم خاک دراو بودی دیوار نگارستان از اسب پیاده شو بر طمع زمین روخه زبری پایش بین شومات شده نعمان هست است زمین زیر ک غورده است بجای می در کاس سر هر مزخون دل نوشوران کسری و تریج ز در بریز و به زور بر باد شده بکسر با ما ک شده بکسان پرویز بر خوانی زین تره بنهادی کردی ز ساط ز زورین تره راستان پرویز کتون کم شد زان کشده کمتر کو زین تره کو بر خوان و کم تر کو ابر خوان خون دل شیر نیست این می که ددور زین ز آب و گل پرویز است این شم که اید دهقان مر دان دوسر یاز ذهاب در روی کوه کنبیه ای یافته که از حیث حجری قدیم - ترین آثار صنعتی آسما و متعلق بیکی از پادشاهان لولوی موسوم باتو بانی است که از ۲۸۰۰ سال قبل از میلاد حکایت میکند. این کنبیه دو تنه سنگی دوسی متر

ارتفاع کنده شده و مجسمه شاه را که بابر روز اسپری گذاشته نشان میدهد که از الهه نی نی دواسیر میگیرد که دماغ یکی را مهار کرده است. در سه کیلو متری جنوب شرقی سر پل مقبره ایست (دخه ایست از آثار مادها) موسوم بکل داود که کبیه آن معوشده این مقبره زیارتگاه اهل حق (علی الهی) آن دیار میباشد.

این دخه که از سنگ بزرگی کنده شده بنام دکه داود پیشتر هم نامیده میشود در اینجا شکر مردی (۲) را برجسته در سنگ حجاری کرده اند. این مرد ایستاده و در ل بر شمش است و برسم (۳) در دست دارد

دهستانهای سر پل ذهاب

از دهستانهای معروف سر پل ذهاب یکی شیوه است که دوجمعه پنج کیلومتر از آن فاصله دارد و دارای ۱۷ دهکده بشر زیر:

- ۱- آئینه وند ۲- حلوان ۳- جلال وند ۴- با امراد ۵- جلال وند جیب ۵- حسن آباد ۶- جیب وند ۷- ریزه وند ۸- جعفر ۸- ریزه وند نجف ۹- سیل طبعان ۱۰- علی کوه ۱۰- کلاه مل ۱۲- کوننگه ۱۳- کو کر ۱۴- کر کی ۱۵- میان گل ۱۶- مکی - ناصر ۱۷- مکی مطاع میباشد.

آب وهوای این دهستان تسالم و مالاریا خیز و اراضی آن بسیار حاصلخیز است و محصولات عمده آن غلات و شتوک میباشد.

دیگر از دهستانهای تابعه و معروف سر پل ذهاب قلعه شاهین میباشد که دارای بیست هفت ده است و متعلق بحاجی زاده های کرمانشاه میباشد.

- ۱- مداین کلمه ایست عربی جمیع مدینه (شهر) قادسه - رومی - نهران - طیسفون و نهارند هم جزء مداین سیمه محسوبند. ۲- شکل لباس این مرد شبیه است به لباس مادها ۳- برسم دسته ای از ترکه خرما بوده که ناریک درخت خرما بیم بیوسته و در هنگام عبادت بدست می گرفتند

بری سندیج

از مشرق کبر معترم و سانی که پایت تکفروشی بسا آگهی ۹ اداره روزنامه دهی دارند تقاضا میشود هر چه زود تر بنایندگی روزنامه در سندیج مراجعه فرموده حساب خود را تسلیم فرمائید

اطلاع میرسد که یکی از مالکین معترم سندیج از رعایای یکی از قراء بهر ممالک را دو دفعه مطالبه مینماید. صحت و تمام این خبر «بصرف وقت» معلوم خواهد شد

شهر داری سندیج

شکایت مردم از شهرداری سندیج بلند شده بطوریکه نمیتوان حتی نمونه ای از کار مفیدی که شهرداری انجام داده بیان کرد. مردم از همه چیز شهرداری شکایت دارند کثافت شهر - روشنائی - ترقی اجناس و غیره و غیره همه اش باعث ایراد است.

مثلا از میان شکایاتی که رسیده یکی دو فقره است که در بهداشت ساکنین سندیج بسیار مؤثر است سهل انگاری شهر داری مخاطرات جبران ناپذیر بار آورده:

- ۱- شیار بزرگ چهار باغ که محل ریزش قریب هزار متر ابح بوده و تمام کثافات خانه ها هم از بالای و غیره بدان ریخته میشود از شمال شهر شروع شده تقاضا بخانه میروء علاوه بر تنفس مسرکز انواع میکروبها بوده اکثر ناخوشیها از همین مدین سرچشمه می گیرد اگر شهرداری بفکر کار باشد و نتواند پول را حیف و میل کند در صورتیکه بسا کین اطراف این کان کثافات پیشنهاد کمک کند قطعا مردم برای رهائی از آن پول خواهند داد و بر بودجه شهرداری هم تحمیل نخواهد شد و این شیار بزرگ سرویشده خواهد شد. ۲- جوی دیگری که از جلو خانه میرزا فتح الله در قطار چیان شروع شده و تمام کثافات مستراح ها تا پل ملاویسی بدان داخل میشود دست کمی از شیار چهار باغ ندارد. خوب است آقای شهردار یا معاون ایشان بایک کمیسیون بازرسی برای تحقیق باین امکان رفته و تصصیبی اتخاذ نمایند تا افلا مردم بگویند شهرداری هم بدرد می خورد.

آگهی حصر وراثت

بتاریخ ۱۳۲۴/۷/۲۱ بانوزهر (سیاه بادام) باستاند بکبرک گو هینانه و رونوش شناسنامه دادخواست بشماره ۱۱۱۹ ۱۲۴ داده باینکه مرحوم محمد علی فرزند چر لمی در تاریخ ۱۱۲/۱۸/۱۳۲۲ در تهران جایگاه هیشگی خود فوت یافته و متقاضیه مادر و آقای مهدی پسر ویانو بتول زوجه دائمی متوفی و وراثت منحصرش میباشد پس از شنیدن کواهی کواهان مراتب سه نوبت متوالی ماهی یکبار در روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی روزنامه کوهستان آگهی میشود با گذشتن مدت سه ماه از تاریخ نشر اولین آگهی و نبودن معترض بر حسب تقاضا اقدام خواهد شد و نیز اگر کسی وصیتنامه از متوفی دارد دو ظرف مدت مزبور ابراز والا هر وصیتنامه غیر از رسمی و سری ابراز شو درجه اعتبار ساقط خواهد بود.

رئیس دادگاههای بخش تهران - احمد زورین نعل

آگهی حصر وراثت

بتاریخ ۱۳۲۳/۱/۲۲ آقای محمد زاینده رود شناسنامه شماره ۵۱۹۳ باستاند بکبرک کواهینامه و رونوش شناسنامه دادخواست بشماره ۱۰۰۶/۱/۲۴ داده باینکه مرحوم عبد الحسین زاینده رود دارنده شناسنامه شماره ۱۹۹۱۲ در تاریخ ۱۳۲۴/۵/۱۹ در تهران جایگاه هیشگی خود فوت یافته و متقاضی آقایان مرتضی زاینده رود شناسنامه شماره ۵۱۹۴ و صدر الدین زاینده رود به شناسنامه شماره ۵۹۹۴ و شمس الدین زاینده رود شناسنامه شماره ۱۰ پسران و بانوان معترم زاینده رود شناسنامه شماره ۳۳۶۵ و اقدس زاینده رود شناسنامه شماره ۵۱۹۵ دختران و بانوان مصدوم به شناسنامه شماره ۵۱۹۶ و طاهره شناسنامه شماره ۱۵۶۸۱ زوجه دائمی متوفی و وراثت منحصرش میباشد پس از شنیدن کواهی کواهان مراتب سه نوبت متوالی ماهی یکبار در روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی روزنامه کوهستان آگهی میشود با گذشتن مدت سه ماه از تاریخ نشر اولین آگهی و نبودن معترض بر حسب تقاضا اقدام خواهد شد و نیز اگر کسی وصیت نامه از متوفی دارد در ظرف مدت مزبور ابراز والا در وصیتنامه از متوفی غیر از رسمی و سری ابراز شود از درجه اعتبار ساقط خواهد بود.

رئیس دادگاههای بخش تهران - احمد زورین نعل

نامه ها و تلگرافات رسیده

از سقز
آقای غفور آواره، با مینوسید که دو دستگی عیبی در سفر حکمفرماست بطوری که اگر دست ای از یک نفر تبریف کند بلافاصله دست دیگر بشکایت از همان شخص بیادرت میجویند و پیشنهاد مینمایند که اصولاً تبریفها و تکلیب هادرروز نامه چاپ شود.

کوهستان، اگر چه بارها از خوانندگان محترم تقاضا شده سعی نمایند همیشه حقایق را بنا بنویسند. مهندس هانظوریکه آقای غفور آواره تذکر داده اند اغلب اظهارات ضدوتنقیض میرسد و این امر همان طوریکه ایشان مذکر شده اند در سقز بیشتر اتفاق می افتد. باید از خوانندگان سقز تمنا مینمایم مراعات این نکته را نموده و از اعمال نظرهای خصوصی دربر خلاف واقع خودداری فرمایند در غیر این صورت ناچار مجبور خواهیم شد از درج آن محذرت بخواهیم.

از سقز

وزارت جنگ، رونوشت ستاد ارتش رونوشت، کوهستان وضعیت منطقه سقز تاکنون بواسطه نداشتن بزرگ بهداری بانسکرافات زیادی شده مردم دائما از این حیث در زحمت بوده اند. از موقعی که سرکار سرگرد خیمه صفا رئیس بهداری یادگان سقز وارد شده اند در بهبود بهداری اهالی کوشیده در معالجه بیماران جدید نبوده اند. متاسفانه برقراری که شنیده شده است بهترین احضار شده اند بدین وسیله از آن مقام استدعا داریم از احضار مشاورانیه صرف نظر و در ابتدای ایشان که به قیمت جان اهالی تمام می شود موافقت

فرمانده

امام جمعه - علیرضا اردلان - حاجی طباطبائی - ملاسه علائی - محی الدین حاجی معصود علائی - عباس قادری - شامی عبدالله اوشیروانی - عبدالله یزدان پناه - شیخ - الاسلامی - برادران وتوقی - حاج ابراهیم محمدی - عباس قادری.

کوهستان - توجه بیهداری مسخر ضروری و از وظایف حتی وزارت بهداری میباید لذا انتظار داریم وزارت بهداری توجه خاصی به وضع بهداشت مردم این منطقه نموده و فرستاده لشکر کردستان نیز با توجه بتلگراف اهالی سقز در صورت لزوم تغییر سرکار سرگرد خیمه صفا پرنسک شایسته دیگری بجای ایشان اعزام دارند که ضمن انجام وظیفه لشکری مورد استفاده مردم هم واقع شود.

از سقز

ریاست ژاندارمری کل - رونوشت وزارت کشور - رونوشت وزارت دادگستری رونوشت ستاد ارتش - رونوشت کوهستان هدایک سوهوشار و مظالم آقابانستان مجتهدی و استوار شرفی که با شصت نفر سوار ژاندارم و عده ای از اهالی کردستان بمنطقه کلیانی مانند سیاه سنگیز و مغول حمله ور شده و بپیرجا که رسیدند همان صلیبات جابرانه را انجام داده از آفتاب روشن تر است.

آقای ستوان فولادوند که قیمت فرماندهی آنها را داشت بعد از آنها پیش از آقابان فوق زحمت و زیان و خسارت گردید بدین ترتیب دیگر اربابی از احقان حق نبود. بواسطه باس از رسیدگی و طرز رسیدگی آقای فولادوند بیشتر برپاس از روده. آقای ستوان احمدی بعد از رفتن ما مورین رسیدگی نمودند آقای

سرگرد شروپور که باین منطقه تشریف فرما شده ولی نه بقره زانان تشریف آورند و نه بنده را احضار که خرابی هم در امروض دارم.

اخیرا آقای سروان لرزنی تحقیقات نموده همینقدر عرض میکنم که هفت شبانه روز این عده از شام ونهار و علقین و کاه جو وغیره جیرا تحویل و افلا هفتاد هزار ریال مخارج این عده تمام شد و هزار گونه خسارتهای شرامنی بها وارد. آخر الامر برادر و کسانم را کتبت و اسپروردت ده کلان برده تمام این موارد آقای ستوان هجران هم ناظر این عملیات شکنج بود اگر احقان حتی در کار هست استدعای رسیدگی جواب قطعی مرحمت فرموده که رسیدگی نخواهد شد. سلطانیکوند

تلگراف از سقز

ساعت مقدس مجلس شورای ملی، رونوشت جناب آقای نخست وزیر، رونوشت آقای محیط نماینده سقز و بانه، رونوشت اطلاعات، رونوشت مهر ایران، رونوشت کوهستان، رونوشت کیهان.

مراتب شاه پرستی و میهن دوستی ما جامعه و مردم سقز در پیشگاه دولت اظهار من الشمس و محتاج بند کسر نیست چنانچه همیشه روساء قبور و عشار و افراد اهالی سقز در ذیف سایر سربازان در حفظ امنیت کوشش و در موارد لازم جان فشانی نموده ایم.

کرد و فارس و ترک کلیه ایرانی و در تحت لوای پرچم مقدس اسلام بوده و کلام الله مجید و رهبر خود میدادیم و هر نوع مخالفتی که بشود ناشی از اغراض محض بوده و منظوری جز جدائی این برادران ایرانی ندارند. ما خواهان استقلال و سعادت ایران عزیز خود بود و حاضریم

آقای سقز
از شماره های گذشته نامه کوهستان تعداد کمی در ستنج باقی است دوستداران کوهستان برای تکمیل دوره های خود میتوانند بروز نامه فروشهای ستنج مراجعه نمایند.

نمایندگی نامه کوهستان در ستنج

آقای
آقای بداد رضایی کلهر نماینده نامه کوهستان در شاه آباد قرب. گیلان و سر بل میباشد علاقتندان برای تقاضای اشتراک و پرداخت وجه اشتراک و غیره میتوانند به ایشان مراجعه نمایند کوهستان

تا آخرین مرحله حیاتی جان و مال خود را فدای میهن شاهنشاه محبوب خود بنمایند پاینده باد ایران، امام جمعه - سیف الله اردلان - قاضی ماجدی - علائی - امامزاده - ملاذهاب امامزاده - حاج طباطبائی حسین و کیلی - قاضی شیخ لاسلام - اسمعی - حاج صالح محلی - رحمت الله - اسراراللهی - احمد فلاحی - حاجی محمد خان و کیلی - ابریشم جی.

پس از اینکه بخوابان تامین داده شد وعده زیادی از رعایای کوچ کرده مراجعت نموده اردو نیز از دزلی خارج و باردوی دگاشه جان محقق شد. چند روز بعد زیادی اردو برای تقویت پادگانهای سقز و بانه و سر دشت و تکاب اعزام گردید.

پس از خانه دادن کار اورامان و مریوان بصعود خان کانی سانالی هم تامین داده شد مشار الیه بعبت باسیار آصف وزیر بسنه ج و از آنجا بظهران حرکت نموده

در جنبیکه این اقدامات در جریان بود از طرف لشکر بحمل آذوقه برای پادگانهای این نواحی پرداخته شد بطوریکه اطلاع داریم آذوقه و نیازمندهای نورات و دو اب این پادگان ها تا آخر اردی بهشت تامین شده و وسایل آسایش نورات فراهم گردیده است.

بدین ترتیب با سیاست عاقلانه و مسالمت آمیز جنگ های اورامان و عواقب سوء آن و خسارات و تلفات پایان یافته، رفته رفته رعایا و ساکنین نا امید این منطقه امیدوار شده به ماکن خود بازگشتند.

حال جادارد سؤال کنیم: این خوریزی و کشت و کشتار برای چه بوده خسارات وارده بدولت و ملت بچه میزان رسیده بانی این امر شده و مبتکران این اقدامات که بوده و از این راه چه چیز بدولت و ملت عاید شده و ...

انفوس در مقابل این سئوالات همان ابهام باقی خواهد ماند. و چون دادرسی نیست آنها بیکه جنگ وجدال را باقی شده، تنها راه علاج دردهای ملکنی میداند همانطور باگردنی راست راه میروند در عالی که مردمان بیگناه و بیچاره باید در خاک و خون بلفطند.

شاید خوانندگان وارثای امور بادین نتیجه این اردو کشی حالا تصدیق کنند که ما درست میکنیم

تکشید تکشید اینها برادران شما هستند!

پس از آنکه منویات دولت از طرف رئیس کمیسیون با اطلاع روسای عشار رسیدو با آنها گوشزد شد که صلاح آنها در این است که جز از راه اطاعت و حسن سلوک از طریق دیگری وارد نشوند روز بعد عوما بعبت کمیسیون به اردو آمده سر لشکر جهانیانی و سرتیب هایولی و ملاقات نمودند.

در این ملاقات معصود خان کانی سانالی حضور داشت زیر اشرار الیه افسر ارتش بود و هنوز نامینی رای مراجعت او گرفته نشده بود معصود خان دزلی از سر لشکر جهانیانی و فرمانده لشکر دعوت نمود که با عده ای به دزلی بروند ولی چون نظر و لای ارتش این بود که کلیه نیرو به دزلی رود با رفتن عده قلیلی موافقت نشد. این امر موجب وحشت روسای عشار شد و از آنجا که خارج شدند به خاک عراق پناهنده گردیدند ولی دو نفر: محمد شریف آلمانه و محمد علی تغلری از همان ساعت در میت اردو ماندند و روز بعد از ملاقات اردو به دست دزلی حرکت و سپس در دگاشیغان که واقع بین مریوان و اورامان است متحرک شد

دو روز بعد خبر رسید که معصود خان دزلی در خاک عراق دارقانی را وداع گفته.

نیردی اعرامی برای نمایان ساختن قدرت دولت دوروزی در دزلی و مرز ایران و عراق متوقف شد. در این موقع سر لشکر جهانیانی برای دادن گزارش عملیات بیهران مراجعت کرد و به راهی خود و نیز از انصران ارشدرا (سرهنگ پایندر و سرهنگ بهاون) که مرچب عدم اعتماد روسای عشار بوده و همیشه کار شکنی میکردند که صلاح و مفاتی روی ندهد با خود بشهر ستنج رود. اعضای کمیسیون نیز مراجعت مکن کردند. بقیه کار ها که عبارت از دادن تامین بروسی عشار و اقدامات در مناروت خانواز های متواری به خاک عراق بود بهمه باسیار آصف وزیر و حاج امیر اردلان واگذار شد.

کوهستان

از کردستان

درخواست ساکنین کلانترزان

برای اطلاع ستاد ارتش، وزارت کشور و فرمانده لشکر و فرماندار کردستان

جناب آقای مدیر محترم روزنامه کوهستان بخش کلانترزان از زمانهای قدیم تا کنون محل سکونت چندین هزار خانوار رعیت بوده با مختصر دسترنج فلاحی خود امرزماش ندوده اند و از دوره هرج و مرج سابق دستخوش شرارت یکدمه معدود و نا امنی گردیده و بس از اینکه زمام امور بدست شاه سابق افتاد عده که از شرارت اشرار و قصابی ۱۳۳۶ جان سالم بدر برده بودند و منتظر روز سعادت بودند هر یک با حال فلاکت بکاشانه خود که بدست اشرار سوخته بود و با مساعدت ملاکین شهری هر یک کلبه محقری را تشکیل داده بامید این که به فراغت و آسودگی میتوانیم برعیتی و اداره زندگانی خود بپردازیم بدبختانه مامورین عهد شاه سابق هم دمار از روزگار ما برآوردند و فقط از دور اسم بی مسای قانون آن عهد را استماع ولی از مزایای آن بکلی محروم بودیم باز پیش آمد شهر یور ۳۲ مزید بر علت های دیگر گردید و قریب یکسال و نیم مایه چارگان قربانی ها دادیم تا اینکه خوشبختانه اقتدار و شوکت دولت مجدد طلوع نموده و بیروی اعزامی به تیزترین دست اشرار را کوتاه ساخت ولی مناساته و از بدبختی ما به نتیجه که انتظار داشتیم نایل نشدیم و بر سینه آقای سرتیب هوشمند افشاره نماند اختیار این نواصی باسم بخشدار کوماسی و کلانترزان بدست بی کفایت و ناپاک رئیس المشایر طایفه کوماسی «فرج الله زلوزلی» که سوابق مشعش ۱۱ خود و اعوانش در صنعت تاریخ کردستان ناپایان است افتاد و بیخس اینکه از زندان مرخص و تشریف فرمای این سامان و خانه خود گردید قبل از هر کاری به تهیه اسلحه و استقرار چند نفر سوار و راهزنی همت مردانه خود را مملو فرموده و چندین آبادی را مورد تهب و غارت قرار داده و چندین رعیت بدبخت و بیچاره را قربانی فرمودند و حالاهم بخشدار کوماسی و کلانترزان است آیا این دزد سرپا برهنه در روزی چگونه در این مدت قلیل چندین دستگاه عبارت و چندین قطعه اراضی و چندین دانگ ملک اشیاع فرموده است ؟

آیا این است قانون دموکراسی؟ در این سه سال اخیر که سر تا سر کشور هر ماه سهمیه شکر و چغالی و هر شش ماه قماش را دولت بتواند گنک زار عین و مستندان عطیه فرموده سهم رومان این بونک کجاست آری فقط بدست پلید بخشدار رسیده که آن را بسیل خود مصرف فرموده است آقای مدیر محترم آیا بایستی خوار بار بیروی اعزامی ارتش بسوی نواصی مرزی فرستاده شود و بدستور هوشمند انتشار بدون تادیه و وجه بدست اداره بخشدار و چه خوار بار و چوجه و ماست و غلب جهت بیروی اعزامی از رعایای بدبخت گرفته شود ؟ در خانه با توجه به برکت بونک که انتظار داریم که هر چه زود تر دست این بخشدار ناپاک را کوتاه و باعمل او رسیدگی شود.

کوهستان - آنچه فوقاً بنظر خوانندگان رسیده خلاصه ای بود از شکایت مشروح اهالی کلانترزان که اگر میخواستیم عین آن را چاپ کنیم قطعا بیش از دو صفحه روزنامه میشد. شکایات مختلفی بامضای بیش از پنجاه نفر از کدخدایان و مباشرین این ناحیه بهیمن مضمون ما رسیده و آنچه کسب اطلاع شده شکایات آنان حقیقت دارد و بخشدار آنجا صلاحیت اداره امور آن ناحیه را ندارد.

لذا لازم میدانیم همانطور که مردم تقاضا نموده اند توجه اولیای مسئول و مخصوصا فرمانده لشکر و فرماندار کردستان را جلب و رسیدگی باعمل او که ناه کردن دستش را از سر مردم جدا بخواهیم.

برای اطلاع اداره کل و اندامری

از دستنچ اطلاع میدهند که در تاریخ ۲۴ ۶۶ ۲۴ قریه ماسان از طرف سید حبیب الله نام و چهل نفر آدم مسلح محاسره و کایه گله قریه را بشارت برده اند و ابوالحد آقربانی کسانگر لیر به قتل رسیده است. ماموری که بجهل اعزام شده بکنفرانس ارتش را دستگیر و تمردادی از گله سرورقه در خانه حبیب الله نام کشف ولی قضیه بدون تعقیب مانده است گذارش دهنده تقاضای عطف توجه اداره کل را ندارد - مری را ندوده است

بیک پیشنهاد سو دهند

آقای معهد با کرد از دستنچ پیشنهاد متباینده که بجای چاپ ضرب النملهای کردی و اشعار خوب است بکستون از روزنامه بنام «له باشی کلک» (ازهر بوستان کلی) بدوج نام و شرح حال شعرا و جناب بکی از بهترین آثار آنان اختصاص داده شود.

کوهستان - پیشنهاد فوق بسیار مورد توجه است مشروط باینکه نویسنده آن محترم در نگارش شرح حال شعرا سعی داشته از روی مدارک صحیح باشد و اشعاری را هم که انتساب میمانند حق القدر از برجسته ترین آثار آنان باشد.

ما هم سعی خواهیم کرد بعضی دریافت اولین اطلاعات استون مخصوصا بازنمایم ولی این امر مانع آن نخواهد شد که ضرب النملها هم جداگانه چاپ شود و یگانه اشعار خوبی هم بدون شرح حال شاعر درج گردد.

عاهه قرار بگیرد مینرسم گران تمام شود. اگر گفته آندره مور را و را که می گوید «تاخیلی قوی نیستی باید خیلی نرم باشی» سرمشق قرار داده لب فرو بندم و فقط بنظره اعمال این دیکتاتور نشان اکتفا کنم کاسه صبرم لبریز میشود و تحت تاثیر شدید احساسات روجم مدبب میگردد ولی باز صبورم که با انتظار فرصت مناسب فرصتی که با توجه با احساسات وطن پرستی ام اجازه اظهار میکنند تلبیب را بعد سکوت اختیار کنم.

م- ده نشین

زاده های زار ده نشین

در چکر از نشین زهر آلوده این کوزمان اینهمه درد نمان است و معیال آه نیست گرفتاریهای روزانزون این محیط مر کبار، بیم شکنیه و آزار مقامات حاکمه اجازه نداده و نیندهد تا آنچه را که در اهدای قلب منقلب و متشنج است ببینگاه تو ای نویسنده طرفدار مغولمان عرضه داشته و خوانندگان هر روز با اسرار این مرگ تدریجی که زنده کنی آرام نام دارد واقف گردانم.

ابنکاش روزی فرا میرسد که کسی را بجرم ادعای حق حیات و تقسیم علاقه بیک نامه ملی که بجز دفاع از حقوق سه مردم هدی ندارد محکوم بنفاتی کردند تا آنچه را که در دل دارم و دیده اشکبارم ناظر آن بوده است بحضور تو ای کسیکه برای حفظ حقوق بکشت مردم حساس در مرکز کشور قد علم کرده و برای مواجهه با هر گونه اشکالی خود را آماده کرده ای عرض نمایم تا بسطور ترسیم و تشریح این خراب کاریها فلم شیوایت در میدان ابداع جولان در آورده یک سلسله حالات را تحت عنوان «جنایت شرع» دو صفحات روزنامه منمکس نمائی تا پشت بوز نشینان مرکز بداند که در یک منطقه بزرگ سرحدی در معیطی که نژاد آریایی بیباکی و شاه دوستی زمان داریوش کبیر یا بنیامنه و تئیری نکرده است چه رویه برای جریعه دار ساختن این دلهای حساس که در نفس سینه این ملت دانه بنده معطله ادامه دارد

اگر قول دیرانیایی را که میگویند «عمر آقدر کوتاه است که نس از زده به اینکه آدم صبر و کوچک زندگی کند» کار بندم و آنچه را که خود نساظر آن بوده ام بنویسم نادر معرض نقضات افکار

برای اطلاع اداره کل غله

بازرسی کل غله - رونوشت کوهستان. رونوشت اقتصادی دستنچ بمقاد آن گندم را اینجا عقوبت لازم است» ترحمی بحال هست نفر کارمند هر یک با داشتن یک مشت عائله در نهایت مصیقت در این فصل زمستان میگردد ارباب تبقیر مایه. خانه دادن به سیه روزی را عاجزانه استدعا مینمایم.

دبیبی - نسائی - مدرس - شهسواری کوهستان - با وجود اینکه چندین بار اکیداً اداره کل غله دستور داده است معلوم نیست چرا این دستور ها اجرا نمیشود مگر دستهای مرموزی در کار است ! اگر چنین باشد این آبادی باید قطع شوند اصلاح کار و حدود دستور مجددوا کیدهشت نظر کارمندان غله ستروا جدا از اداره کل غله میخواهیم

ارزش مساهی ایران در چنگ

پیام ملت ایران به مجمع ملل متفق و سران دولتهای بزرگ هین هفته منتشر میشود